میراث فرهنگی

سال ۲۰۲۰
نوبت ژئوپارک ارس

هنوز خیلی از ما نمی‌دانیم ژئوپارک دقیقا چیست و به چه منطقه‌ای اطلاق می‌شود. اما مطمئن باشید خودش به عجیبی نامش نیست. اصلا بگذارید این‌طور بگوییم، جزیره قشم و جاذبه هایش را احتمالا دیده‌اید یا تصاویرش را به تماشا نشسته‌اید، همان دره‌ها و کوه‌های چین‌خورده و زمین‌هایی با پستی و بلندی‌های زیبا که به آنها پدیده زمین‌شناسی می‌گویند و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی و فرهنگی ارزشمندی که در سراسر این گستره وجود دارد، به این مجموعه ژئوپارک می‌گویند. ژئوپارک‌ها شبکه جهانی دارند و بهترین ژئوپارک‌های دنیا عضو آن هستند. مثلا همین قشم خودمان یك ژئوپارک جهانی است.

مجموعه‌های اینچنینی دیگری هم در کشورمان وجود دارد؛ یعنی ژئوپارک‌هایی که ظرفیت ثبت جهانی را دارند، اما هنوز پایشان به شبکه جهانی ژئوپارک‌های یونسکو نرسیده، مثل ژئوپارک طبس و ارس که البته چند سالی است روی تدوین و تهیه پرونده آنها کار می‌شود.

پرونده ژئوپارک ارس که در محدوده منطقه آزاد ارس و جلفا واقع شده، یك بار در سال ۸۹ به شبکه جهانی ژئوپارک‌ها فرستاده شد، اما مورد پسند بازرسان یونسکو واقع نشد. مهر گزارش کرده امسال بار دیگر مسؤولان این ژئوپارک تلاش کردند پرونده آن را برای بررسی به یونسکو بفرستند. گفته می‌شود بررسی نهایی این پرونده در سال ۲۰۲۰ انجام خواهد گرفت تا دومین ژئوپارک جهانی ایران به نام ارس در شبکه ژئوپارک‌های جهانی یونسکو معرفی شود.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۵۴۰
جدول عادی

افقی: ۱) مشهورترین داستان هانس کریستین آندرسن- خاشاك ۲) گرفتاری- موش خرما- به صورت بی‌ضابطه و نسنجیده ۳) به هوا می‌رود و نورافشانی می‌کند- مطابق گذشته ۴) ریاست- از باشگاه های فوتبال فرانسه- سیاستمدار ۵) خمیدگی کاغذ- واحدی در وزن- شکل ظاهری- حیوان بارکش ۶) مادر حضرت محمد(ص)- پر حرارت- بهره هوشی ۷) خودداری از انجام کاری- خودخواه ۸) از منفورترین شخصیت های تاریخ شیعه- موج کوتاه رادیویی- سخنان بیمار تب‌دار ۹) دارای جنبه داستانی- میوه گرمسیری ۱۰) نام چندتن از پادشاهان فرانسه بود- ستاره‌شناس- در بازار بورس معامله می شود ۱۱) خاك سرخ- دوستی- فرمان توقف- مکش سیگار ۱۲) روده ها- تابناك- نقل حدیث ۱۳) تصادم- نویسنده رمان آرزوهای بزرگ ۱۴) اوضاع جوی- گورشکاف- احمق ۱۵) آخرین سوره- سرمربی تیم فوتبال شهر خودرو.

عمودی: ۱) چاه عمیق- حمد- ترسیده ۲) عنصر آلیاژی مهم برای فولاد- آیین های سنتی- حرف همراهی ۳) کارگر کشتی- درختی برگ‌ریز- اخمو ۴) آماده- استخوان فك ۵) بایگانی- درست دانستن سخن یا عملی- شهر مقبره شمس تبریزی ۶) مسیر حرکت - شهری در شمال شرقی فرانسه - جمع روح ۷) دست شکسته!- مدرس دانشگاه- دایره‌ای شکل ۸) فاخته- پیش از رمضان- ممکن ۹) واگیردار - شهرستانی در استان اصفهان- کیف انگلیسی ۱۰) نوعی هواپیمای جنگی- از ایالات امریکا- عقاب سیاه ۱۱) اختلالی عصبی- کدبانو- نوعی چسب نجاری ۱۲) تایر خودرو- برجستگی زیر کفش فوتبال ۱۳) آغشته به خون- سال ۳۶۶ روزی- شیره درخت ۱۴) نت آخر- به‌تازگی- هر قسمت فیلم کوتاه ۱۵) فرزند سیاوش، پادشاه کیانی- صندلی کلاس- قدم یکپا.

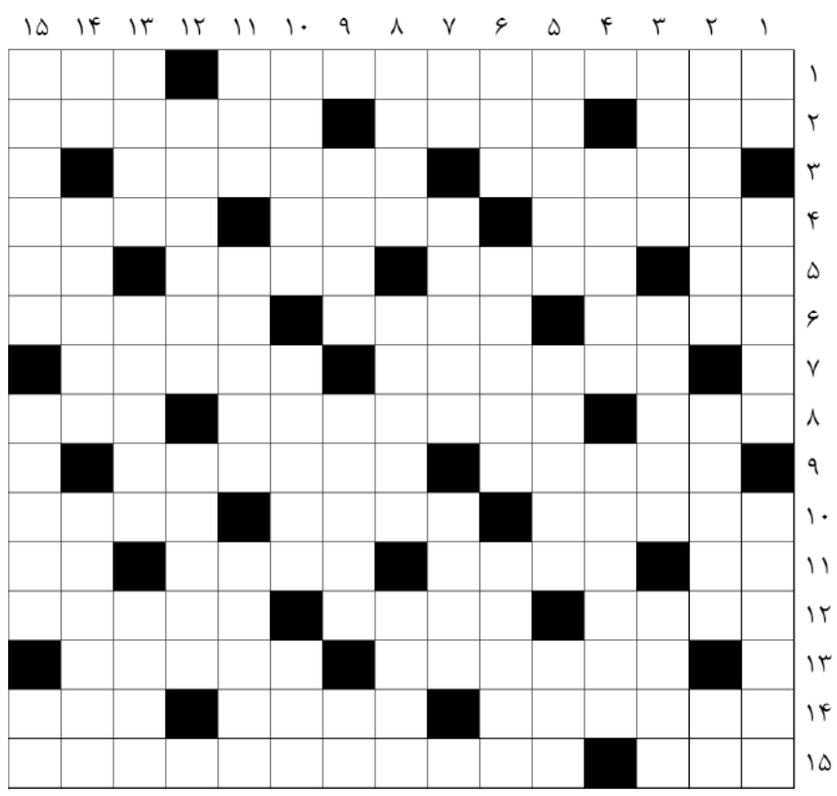

جهانی اول- آرزومندی ۱۰) کلاه‌گیس- بزدل- پهلوان تورانی ۱۱) سیلی- کفشی سنتی- پرخاش- پارچه ۱۲) همسایه عراق- به رنگ دود- زنان بر سر کنند ۱۳) گلی زیبا- جادوگر قوم بنی‌اسراییل ۱۴) توجه- رمزها- نفوذ تدریجی آب ۱۵) فلز قرآنی- آبراه غیرطبیعی که اقیانوس آرام را به اقیانوس اطلس وصل می کند.

عمودی: ۱- بنابراین- حیران- بخش مایع و شفاف خون ۲) رمانی از تونی موریسون، بانوی نویسنده سیاهپوست امریکایی- تك‌ورق بزرگ چاپی برای تبلیغات عمومی- بهتر ۳) دریاچه‌ای در جنوب شرقی قزاقستان- بلوز تابستانی- مغازه ۴) یار ژولیت- پالس الکتریکی ۵) پدر علم فلسفه- هنر سوم- آغوز ۶) نوعی بیماری واگیر عفونی- رساله‌ای در نجوم تالیف بطلمیوس- پایتخت مالت ۷) شهر زیارتی- ستارگان- راه یافتن ۸) بشارت دهنده- غله پاك‌کن- مفید و موثر ۹) پهلو- جلوس کردن- گلابی ۱۰) ته دیگ- کوچك‌ترین جزء یك پرتو نور- غذای مریض ۱۱) پارچه مشبك- فرعی- طول ۱۲) کشوری جزیره‌ای در همسایگی اقیانوس اطلس- امروز عرب ۱۳) خیاط قدیم- از آحاد زمان- ساز بادی ۱۴) پوستین- راحتی- گران‌ترین نخ ۱۵) شلوغی- سانترال- لنگه بار.

جدول ویژه

افقی: ۱) از آثار داستانی محمود

حل جدول عادی شماره ۵۵۳۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	س	ا	■	چ	ن	ا	ی	ت	■	ا	د	ا	م	ه
۲	ر	ی	ب	■	ا	م	ا	ل	■	س	ا	ی	ا	س	ت
۳	ج	ا	و	ی	د	ا	ن	■	س	ه	ل	■	ج	ا	
۴	غ	■	م	ا	ه	ی	■	ش	ک	م	و	■	ت	و	ک
۵	ت	ب	ح	ر	■	ت	ف	ل	و	ن	■	ا	ب	د	ی
۶	ق	ی	م	ا	ق	■	د	ی	پ	و	ا	ت	ر	■	■
۷	ل	■	ر	د	■	ل	ب	ی	ک	■	ا	ب	ر	ی	ش
۸	ی	و	■	ب	ق	چ	ه	■	ب	ز	ر	ک	■	م	ه
۹	د	ن	ب	ا	ل	ه	■	ت	د	ی	ن	■	چ	ا	د
۱۰	■	■	س	ف	ی	د	ر	و	د	■	ک	ل	و	ی	ی
۱۱	ا	ر	م	ه	■	ا	ت	ل	ل	و	■	ا	ب	ل	ق
۱۲	س	ا	ل	■	م	ر	ا	د	■	ا	و	ر	د	■	ا
۱۳	ل	س	■	غ	ا	ی	ت	■	ب	ه	ز	ی	س	ت	ی
۱۴	ا	ت	ا	ب	ک	■	ی	ا	س	م	ن	■	ت	ر	د
۱۵	و	ی	ش	ن	و	■	و	ج	ی	ه	ه	ی	■	ک	ی

حل جدول ویژه شماره ۵۵۳۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ع	ل	م	■	ج	غ	ت	ا	ی	■	ن	ا	پ	ل	ی
۲	ب	ا	ل	■	م	ف	ق	و	د	■	غ	ن	ا	ی	ت
۳	ا	س	ا	ط	ی	ر	■	د	و	ط	م	ه	■	ا	ا
۴	س	■	ص	ن	ع	ا	■	ن	ی	ا	ل	ت	■	ل	ق
۵	ا	ن	د	ی	■	ن	ا	خ	ل	ف	■	ج	ز	ی	ی
۶	خ	و	ر	ن	د	■	ن	ی	ا	ک	ا	■	ا	■	■
۷	و	ر	ا	■	ا	س	ف	ل	■	ر	و	ا	ن	س	ر
۸	ی	و	■	ب	ر	ی	س	■	م	ب	ا	ح	■	ر	ز
۹	ن	ز	ا	ر	ی	ه	■	ا	د	ه	م	■	ق	و	م
۱۰	■	■	چ	ی	ن	چ	ی	ه	ا	■	ر	ا	و	ر	ا
۱۱	ا	ر	ا	ل	■	ش	ا	ل	ن	ک	■	ف	ر	ی	ز
۱۲	ک	و	ر	■	ه	م	ز	ه	■	ر	ب	ی	ب	■	م
۱۳	ر	ا	■	ش	ا	ه	ی	■	ک	ی	ن	ش	ا	س	ا
۱۴	ا	ی	ر	ا	ج	■	د	ن	ا	ل	ی	■	غ	ن	ی
۱۵	ه	ی	ت	ل	ر	■	ن	ق	ل	ی	ه	■	ه	ا	ی

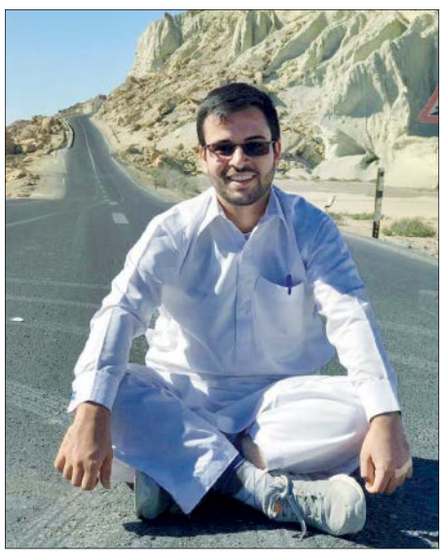

مرحوم حسین علیمرادی چند روز پیش در حال سرکشی به ساخت مدرسه‌ای در روستای ریگیتی پیرسهراب دچار سانحه تصادف شد

به مناسبت درگذشت حسین علیمرادی، جهادگر و مدرسه‌ساز منطقه دشتیاری

حسین صدای دشتیاری بود

مینا مولایی

ایران

در دشتیاری، همه عزادارند و سیاه‌پوش؛ آه و افسوس از جمعه، درست از وقتی که خبر درگذشت حسین علیمرادی منتشر شده، در دل مردم این منطقه خانه کرده؛ حال و روز خیلی‌هاشان خوب نیست! اینجا در بخش دشتیاری چابهار، دیگر کسی نمانده که از رفتن حسین باخبر نباشد؛ کسی نیست که نداند دشتیاری پسر جوانش، فرزند خوبش را از دست داده است؛ فرزندی که اهل اینجا نبود، ۱۴۵۰ کیلومتر راه آمده بود تا برسد به دشتیاری؛ تا مردم این منطقه و محرومیتشان را از نزدیك ببیند و پاگیر خاکی شود که می‌گفت دل کندن از آن سخت است؛ تا بماند و دست یاری به سوی دشتیاری دراز کند و آجر روی آجر بگذارد و برای بچه‌های دشتیاری مدرسه بسازد و کلاس و خوابگاه.

مردم دشتیاری چابهار در سیستان و بلوچستان اما هنوز رفتن حسین را باور ندارند؛ هنوز همه گیج و مبهوت به عکس حسین نگاه می‌کنند که روی بنرهای تسلیت اینجا و آنجا نصب شده؛ حسین از توی همه این عکس‌ها با همان آرامش همیشگی‌اش به آنها نگاه می‌کند، به مردمی که قول داده بود برایشان مدرسه بسازد، مردمی که او را باور داشتند و حالا با رفتن حسین، حکم یتیمی را دارند که نمی‌دانند چه سرنوشتی در انتظارشان است.

حسین زندگی عجیب و غیرمتداولی داشت در انگلیس بزرگ شد، به ایران برگشت وارد دانشگاه شد و مستقیم از دانشگاه به یکی از محروم‌ترین نقاط ایران رفت ...

حسینی که حسینی کار کرد

تلخی این اتفاق اما روز حادثه از همان صبح روز جمعه، روی سر این مردم آوار شد و دل خیلی‌ها را لرزاند. از جمعیت ۶۰ هزار نفری دشتیاری خیلی‌ها حسین را می‌شناسند؛ در روستاهای منطقه، مخصوصا بخش مرکزی سراغ حسین علیمرادی را از هرکسی می‌گیریم، هزار خاطره دارد از جوان جهادگر و دانشجویی که یك تنه کنار مردم این منطقه ایستاد و آستین همت بالازد برای ساختن؛ از حسینی که حسینی کار کرد و حالا دیگر نیست. این را عبدالوحید درج دهقان به ما می‌گوید. یکی از دوستان و همراهان حسین علیمرادی در بخش دشتیاری، جوانی که خودش اهل روستای پیرسهراب است و از سال ۹۵ به عنوان یکی از بومی‌های منطقه همراه کار جهادی حسین شده، می‌گوید:«حسین شاید اتفاقی پایش به دشتیاری رسید، اما ماندش کاملا به انتخاب خودش بود. او وقتی فقر و محرومیت منطقه را دید در اینجا ماندگار شد و با این‌که هدفش ابتدا ارتقای سطح آموزشی مدارس بود، اما بعد از مدتی فعالیت دید که آموزش نیاز به زیرساخت دارد و از همین‌جا استارت کار مدرسه‌سازی زد.»

برای عبدالوحید، گفتن از دوست و یاور سه‌ساله‌اش کار راحتی نیست و رنج از دست دادن حسین از صدای گرفته‌اش پیداست:«حسین بسیار خلاق، فعال و خستگی‌ناپذیر بود و خودش را جدای از این مردم نمی‌دید و به خاطر همین همه دوستش داشتند و الان همه داغدارند و احساس تنهایی می‌کنند.»

وزیری که وقت شنیدن مشکل محرومان را ندارد

نتیجه فعالیت‌های حسین علیمرادی در منطقه فعلا ساخت و بازسازی پنج مدرسه است؛ از مدرسه سه کلاسه روستای کلسکان گرفته تا ساخت صفر تا صد مدرسه روستای گمداد بازار و فضای آموزشی روستای پیرسهراب؛ دغدغه‌ای که این دانشجوی جوان جهادگر برای ارتقای سطح آموزش دانش‌آموزان دشتیاری داشت آنقدر زیاد بود که باعث شود حدود سه ماه پیش با سرپرست وزارت آموزش و پرورش در همین رابطه همکلام شود و بگوید:«آقای وزیر؛ در چهار سالی که اینجا فعالیت می‌کنم ۱۷۰ روستا را تك به تك سر زده‌ام و کلاس‌های درس آنها را پایش کرده‌ام. به عنوان یك جوان غیربومی که از تهران آمده‌ایم، سعی کردیم با حرکتی متفاوت در اینجا کار کنیم. اینجا مشکلات زیاد است...» او یکی از مشکلاتی که می‌دانست گفت اما زمان سه دقیقه‌ای برای این اتفاق کم بود و حرف‌های حسین ناتمام ماند و حالا تلخی این اتفاق هنوز از یاد عبدالوحید نرفته:«حسین همیشه می‌گفت ما باید درباره این مشکلات و نیاز آموزشی مدارس منطقه با وزیر صحبت کنیم اما در نهایت به هیچ نتیجه‌ای نرسید...»

امان از این پراید و جاده‌های خراب

عبدالوحید روز حادثه همراه حسین بوده:«حسین پنجشنبه به دشتیاری آمده بود و جمعه صبح من و او و دو نفر از دوستان مستندسازی که از تهران آمده بودند برای سرکشی به ساخت مدرسه روستای ریگیتی پیرسهراب عازم این منطقه شدیم. حسین خودش پشت پراید موسسه نشسته بود که یك دفعه از جاده منحرف شدیم و ماشین چپ شد...»

کاش ما می‌رفتیم و حسین می‌ماند

محمدبخش درخشیده، معاون آموزشی دبیرستان امام علی پیرسهراب و یکی از اهالی روستای کلسکان است که از حسین خاطره زیاد دارد؛ آنقدر که بگوید حسین عضو خانواده ما بود و هروقت به دشتیاری می‌آمد مهمان ما می‌شد:«حسین همیشه می‌گفت خاك بلوچستان گیرایی دارد و هرکس به این خاك پا بگذارد دیگر از آن دل نمی‌کند و واقعا این موضوع درباره خودش مصداق داشت. آنقدر اعتقادش به این موضوع زیاد بود که همه را با خودش همراه کرد و فراتر از قوم و مذهب و رنگ و عقیده، فقط به خاطر انسانیت در این منطقه ماند و فعالیت کرد. حالا هم واقعا بلوچستان به خاطر این اتفاق داغ دیده، همه دانش‌آموزان منطقه و همه مردم منطقه به خاطر این موضوع متاثرند و می‌گویند کاش ما می‌رفتیم و حسین برای دشتیاری می‌ماند و راهش را ادامه می‌داد.»

مصداق آیه ۱۱ سوره رعد

برای حسین علیمرادی جهاد در دشتیاری خیلی زود به آیه ۱۱ سوره رعد پیوند خورد، به این‌که خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر به دست خودشان؛ همین شد که او بومی‌های منطقه را هم پای کار آورد و به آنها امید داد. امیدی که درخشیده می‌گوید خصوصیت اخلاقی منحصربفرد حسین بود:«حسین امید زیادی داشت، با یك مبلغ اندك واقعا کار ساخت و ساز را شروع می‌کرد و می‌گفت خدا بقیه‌اش را می‌رساند و به خاطر این توکل واقعا هم این اتفاق می‌افتاد. البته او کارش را واقعا اصولی انجام می‌داد و در همین راستا یك پایش آماری جامع از نیازهای آموزشی منطقه دشتیاری انجام داد که واقعا کار سختی بود.»

راهش ادامه دارد

نهضتی که این جهادگر مدرسه‌ساز در دشتیاری شروع کرده، به گفته محمدبخش درخشیده، در سه بخش انجام می‌شد؛ مدرسه‌سازی، مدرسه‌داری و مدرسه‌یاری:«حسین می‌گفت که صرفا ساخت مدرسه مهم نیست، ما باید مدرسه‌ای که ساخته‌ایم را پشتیبانی کنیم و این پشتیبانی حتی از ساخت مهم‌تر است. الان هم ما همه دنبال این هستیم که جریان و نهضتی را که او در منطقه شروع کرده بود به سرانجام برسانیم.»

جهادی که از دانشگاه شروع شد

حسین چطور پایش به دشتیاری رسید؟! این سوال شاید برای خیلی‌ها پیش آمده باشد. ما برای رسیدن به جواب این سؤال، سراغ ناصر بلوچ می‌رویم، هم‌دانشکده‌ای حسین علیمرادی در دانشگاه علامه طباطبایی که پای او را به منطقه دشتیاری باز کرد. جوانی که حالا در یکی از مدارسی که به‌واسطه تلاش‌های حسین در این منطقه بازسازی شده، معلم است. او می‌گوید: «من سال ۹۲ تا ۹۴ در دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد بودم، حسین هم در دانشکده حسابداری درس می‌خواند و همزمان دبیر کانون خیریه فرهنگی دانشگاه بود. در این کانون حسین درحال اجرای برنامه‌ای تحت عنوان جمع‌آوری کتاب‌های کمك‌آموزشی برای مناطق محروم بود، البته برای منطقه کرمان. من وقتی از این حرکت باخبر شدم حسین را در جریان نیاز دانش‌آموزان منطقه دشتیاری گذاشتم و در نهایت ۸۰ جلد کتاب به من داده شد تا به دست این بچه‌ها برسانم. بعد از امتحانات خرداد، تاثیر این کتاب‌ها در قبولی بچه‌ها فوق‌العاده بود و ما ۱۵ نفر قبولی دیپلم داشتیم و برای اولین بار مقطع پیش‌دانشگاهی در پیرسهراب به خاطر این اتفاق دایر شد. وقتی من این نتیجه را به گوش حسین رساندم او همان‌جا قول داد از نزدیك به دشتیاری بیاید.»

از انگلیس تا دشتیاری

شهریور ۹۴ اولین بار پای حسین علیمرادی به منطقه دشتیاری رسید و بعد از آن فعالیت‌ها و اردوهای جهادی آموزشی‌اش در این منطقه شروع شد؛ آن‌قدر که تعداد سفرهای جهادی به ۳۴ سفر رسید. ناصر بلوچ در توضیح بیشتر می‌گوید:«حسین می‌توانست برای ادامه تحصیل به انگلیس برود همان‌طور که بزرگ شده این کشور بود. اما به خاطر عشق به این مردم و به وطن در ایران ماند و حتی بعد از ازدواجش بیشتر از این‌که در کنار خانواده‌اش در تهران باشد در دشتیاری حضور داشت.»

مدرسه و خیابانمان به نام حسین

حسین، صدای مردم دشتیاری بود! ما این را از قول جوانی می‌نویسیم که دوست و هم‌دانشکده‌ای حسین علیمرادی بوده و حالا وقتی به مسیری که حسین در این منطقه طی کرده نگاه می‌کند به ما می‌گوید: «حسین انگیزه و همدلی خاصی بین مردم ما ایجاد کرد که امیدواریم همین موضوع به ادامه دادن راهش کمك کند... الان واقعا مردم ما داغدار حسین هستند و به همین خاطر می‌خواهیم یکی از مدارسی را که حسین ساخته به اسم خودش نامگذاری کنیم حتی شنیده‌ام که قرار است یکی از خیابان‌های شهر چابهار هم به اسم او نامگذاری شود...»

دشتیاری دوباره تنها شد

مکث

عبدالعزیز رامش، مدیرعامل مجمع خیرین مدرسه‌ساز دشتیاری یکی دیگر از محلی‌هایی است که برای ما از حسین علیمرادی می‌گوید؛ از جوانی که دوست مردم دشتیاری بود:«مردم ما واقعا او را دوست داشتند. وقتی خبر تصادفش پخش شد همه جلوی بیمارستان جمع شده بودند و از ته دل گریه می‌کردند. حسین دلسوز مردم ما بود، اهل دشتیاری نبود، اما همه جا از حق مردم ما دفاع می‌کرد و هیچ‌کس او را فراموش نمی‌کند، چون با انگیزه خیر و ثواب وارد این راه شد و افراد زیادی را هم با خودش همراه کرد؛ از خیرین و سازمان نوسازی مدارس گرفته تا منطقه آزاد. الان مردم ما از یك طرف به خاطر درگذشت او ناراحت هستند و از طرف دیگر نگران آینده‌ای هستند که در انتظارشان است؛ دشتیاری با رفتن حسین تنها شده و ما این را با عمق وجودمان حس می‌کنیم...»